

در آستین مرقع ...

- ۲ -

ما امید از طاعت و چشم از صواب افکنده ایم
سایه سمرغ همت بر خراب افکنده اینه
هیچکس
.....

قراردان درین یادداشت ها این بود و هست که حدود معایب و زیان های اعتیاد های گوناگون را مشخص کنیم ، البته بدور از پیشداوری های تعصب آلود ؛ و ببینیم در میان اعتیاد های مختلفی که در دیار ما رواج دارد ، کدامین نوعش و در چه مرحله و درجه ای زیان اجتماعی بیشتر است .

در قسمت نخستین این مقاله به جلوه ها و تظاهراتی پرداختیم که در حالت نشاء و مستی و پس از رسیدن به ماده مورد اعتیاد و رفع خماری عارض وجود شخص معتاد می شود و زحمت ها و زیان ها که برای خودش و دیگران ایجاد می کند . این مرحله را از آن جهت مقدم داشتیم که فرد معتاد بیشتر ساعات عمرش درین حالت می گذرد .

اما دور ازین حالت نشاء و کیفوری و سرمستی ، حالت و عالم دیگری هم وجود دارد که اسمش را گذاشته اند « خماری » .

خماری عارضه ای است که در اثر نرسیدن مواد مورد اعتیاد به فرد معتاد ، بر جسم و جان او مسلط می شود ، و جلوه های اصلیش در همه اعتیاد ها عبارت است از :

میل شدید و جنون آمیز به ماده مورد اعتیاد ، عکس العمل های موضعی و بدنی از قبیل خمیازه های متوالی و بی امان ، ترشحات غدد اشکزایش از حد معمول ، احساس کوفتگی و خستگی در سراسر بدن ، بی میلی به هر فعالیت جسمی و ذهنی ، بی حوصلگی رنجش انگیز و تند خوئی و بدخلقی .

این جلوه های عمومی هر اعتیادی است از چای و سیگار گرفته تا عرق و هروئین . درین حالت ، معتاد همه هم و غمش متوجه رفع خماری است ، بر لوح دل وصفه ذهنش نقشی جز جمال معشوق نیست و چنان فضای سینه اش از صورت آرزوانگیز « مواد » پرمی شود که حتی نقش خوشین خویشترن راهم از صفحه ضمیر گرم و نابود می کند .

و همین حالت نیاز و میل شدید است که معتاد را به تلاش های معقول و نامعقول ، موجه و غیر موجه می کشاند ، و در آن شور اشتیاق مصداق مجسم این شعر مولاناست که :

هر چه امروز بریزم شکتم تاوان نیست هر چه امروز بگویم بکنم معذوم

و به راستی که درین حالت نیاز هر معتادی از عقال عقل وارسته و آزاد است ، و البته هیچ دیوانه ای را قانون مجازات نمی کند .

بسیاری از مفاسد اجتماعی نتیجه مستقیم یا غیر مستقیم این حالت خماری است . اکنون به جلوه های ضعیف و شدید خماری در انواع اعتیاد ها بپردازیم .

در اعتیاد هایی از قبیل چای و سیگار ، همه آن کیفیات جسمانی و نفسانی در معتاد

خمار ملاحظه می‌شود ، منتها به صورتی ضعیف . معناد میل شدیدی به چای یا سیگار دارد ، اما اگر نیازش بر آورده نشود ، این میل شدید به جنون و جنایت منتهی نخواهد شد . قبلا هم گفتم حد اعلاي تلاش نامعقول معنادانی ازین گروه این است که دست نیازی به سوی این و آن درازکنند یا در اوج حاجت و ناآرامی دانه سیگاری از قوطی دیگران ناخنک بزندانیا بزدند . و به فرض این که چای یا سیگار هم در دسترسشان قرار نگیرد و مدتها هم درخاماری بمانند ، این خماری هیچ خطری متوجه زندگی آنان نمی‌کند ، دو سه روز اول دستخوش جلوه های خماری هستند و کم کم این جلوه ها ضعیف تر و رنگ پریده تر می‌شوند و سرانجام به فراموشی می‌گرایند ، بی‌هیچ حاجتی به جانشین کردن ماده دیگری .

اگر بنا باشد انواع دیگر اعتیادها را بر حسب شدت جلوه های خماری از پائین به بالا طبقه بندی کنیم و مورد بحث قرار دهیم ، ظاهراً باید پس از چای و سیگار به حشیش و امثال آن بپردازیم .

نرسیدن حشیش و ال اس دی و ماری جوانا و دیگر افراد این فامیل ، به معنادان این گروه ، جلوه های خماری را نسبت به خماری چای و سیگار ، البته شدیدتر می‌کند ، منتها خبر مرگ و میری درکار نیست . ممکن است حشیشی معتاد ، درحالت خماری به علت اثراتی که حشیش روی سلولهای مغز و دماغش گذاشته است ، مرتکب اعمال ناهنجار و خلاف اخلاق و قانون شود . اما گمان نمی‌کنم از فشار خماری دست به جنایت آلوده سازد . و گویا یافتن جانشینی برای این مواد چندان کار دشواری نباشد . حد اکثر چند قرص یا کپسول خواب آور ، حشیشی مبتلای مخمور را به خواب سنگینی فرو می‌برد و آرایش می‌کند .

در مورد تریاک و شیره جلوه های خماری از دو نوع قبلی شدیدتر است ، دوام خماری درین مورد ، گذشته از جلوه های کلی و همگانی که برشمردم ، ممکن است عوارض جسمی دیگری هم به دنبال داشته باشد و از آن جمله است بر هم خوردن نظم ضربان قلب و گردش خون و انقلاب شدید در جهاز هاضمه و قی و اسهال تا حدی خطرناک . این عوارض به خودی خود کشنده نیست ، مگر اینکه معتاد به امراض متمدن دیگری مبتلا باشد و ضعف عمومی بدن در نتیجه دوام حالت خماری ، آن بیماری های نهفته را تقویت کند و جان معتاد خمار را به خطر اندازد و پنجه نازنین مرگ از سكرات خماری نجاتش دهد .

با همه شدت و عظمتی که این نوع خماری دارد ، هم مواد جانشین شونده برایش فراوان است ، هم بلای اعتیاد علاج پذیر است . معنای از این نوع اگر تریاک و شیره برای کشیدن به چنگش نیفتاد ، در موقع اضطراب ، با خوردن يك بیستم مقداری که قبلا مصرف می‌کرده است می‌تواند سرپا بماند و رنج خماری نکشد و پس از يك ماه با کاستن روز مره ازین مختصر جاننش را از چنگ اعتیادش خلاص کند . به فرض آنکه ارزنی تریاک و شیره هم به چنگش نیفتد داروهای جانشین شونده بحمدالله فراوان است و از همه بی دردسرتتر چند قرص مسکن معمولی . (۱)

۱ - درین مورد من خود شاهد ماجرای عجیبی بودم . در شهر بم سرقتی رخ داده بود رئیس شهربانی می‌دانست قهرمان این سرقت مردیست که مدتی در ژاندارمری خدمت کرده

چون خماری این نوع از دونوعی که پیش ازین گفتیم شدیدتر است و نیاز معتاد به دفع خماری بیشتر ، به همان نسبت هم احتمال قانون شکنی و اعمال خلاف در مورد معتاد خمار نیازمند بیشتر است و وجود افرادی ازین نوع برای سلامت و امنیت اجتماع زیان بخش تر . با این همه در جهنم اجتماعات بشری مارهائی وجود دارد که آدمیزاد بیچاره باید از نهیب آنها به افعی و ازدها پناه برد .

در مرتبه بعدی خماری الککل قرار دارد . با همان جلوه ها و علائم همگانی خماری به طور کلی و البته شدیدتر از انواع پیشین . اثر شدیدی که الککل در اندام های بدن برجای می گذارد و ضعف شدیدی که بر اثر ادمان خمر در مزاج معتاد پدیدار می شود ، معتادان این نوع را به مراتب ضعیف تر و آسیب پذیرتر می کند ، باضافه اختلالی که در دستگاههای عاقله و متفکره وجود آدمی پیش می آورد ، معتاد خمار را در حالتی قرار می دهد مرکب از نیاز شدید ، رها از تسلط عقل ، آماده پرخاش و عربده و جنایت .

خوی پرخاش جوئی و درندگی و قساوت در خماران الککل به مراتب بیشتر از خماران تریاک و حشیش است و به همین مناسبت این نوع اعتیاد ، حالت مستی و خماری اش از حیث زیان های اجتماعی تفاوت چندانی با هم ندارند .

شدیدترین و خطرناک ترین اعتیادی که تا کنون در مملکت ما به چشم خورده است اعتیاد به هروئین است و به همان درجه هم حالت خماری معتادان به گرد سفید خطرناک تر زیان بخش تر .

هروئین به مناسبت نشاء آبی و شدیدش از یک طرف ، و به مناسبت آسان یابی و سهولت مصرفش از طرف دیگر با کمال تأسف بلای جان نسل جوان شده است . اغلب معتادان هروئین جوانان زیر چهل سال هستند ، چه معمولاً با سرعت بالا رفتن میزان اعتیاد و لطمه شدیدی که استعمال گرد سفید به سلامت عمومی معتادان وارد می کند ، معمولاً دوران اعتیاد هروئین از ده سال تجاوز نمی کند ، و مرگ های سریع و زودرس جان معتادان را بسیار زودتر از آنچه تصور می کنند از چنگ این اعتیاد نجات می بخشد .

به ندرت مرد یا زن ۶۰ ساله ای را ممکن است مشاهده کنید که مبتلا به هروئین باشد ، مگر آنکه دوران اعتیادش از یکی دو سال تجاوز نکند .

→ و از آنجا اخراجش کرده اند ، و به علت اعتیاد به شیر و نداشتن در آمد کافی به دزدی مشغول شده ، منهم را دستگیر و محاکمه کردند و به زندانش سپردند ، مردک به حکم آشنائی مختصری که با مواد قانون داشت به هیچ قیمتی حاضر به اعتراف نبود . رئیس شهر بانی هم که در صحت اتهام شکمی نداشت برای گرفتن اعتراف دستور داده بود او را در سلولی جدا گانه زندانی کنند و با گذاشتن مأموری از آن غلاظ و شدادها ، راه رسیدن شیره و تریاک را براو سد کرده بود . روز اول مردک در سكرات مرگ بود ، روز دوم در خوابی شبیه بیهوشی و روز سوم ذره ذره جان گرفت و بامداد چهارم به فرخندگی دوران خماری را سپری کرد و برای همیشه با تریاک و شیره وداع گنت و از برکت جان سختی خویش و سخت گیری رئیس شهر بانی ، چند ماه بعد مثل شاخ شمشاد از زندان قدم به اجتماع گذاشت .

با توجه بدین نکته که معتادان هر وئین اغلب جوانان زیر سی سال هستند ، و در نظر گرفتن این واقعیت که خماری هر وئین رنج جانکاه چون آفرین غیر قابل تحملی است ، می توان منظره خماری هر وئین را در نظر مجسم کرد .

نوع اعتیاد شدید است ، میزان مصرف حتی در ماههای آغاز اعتیاد بالاست ، با جویدن آدامس و کشیدن پیپ و خوردن يك ارزن تریاک و بلمیدن چند قرص خواب آور نمی توان رنج خماری را تخفیف داد ، هر وئین از آن دیکناتورهای قوی پنجه ای است که همتا و جانشین بر نمی تابد . خماری هر وئین را منحصرأ با هر وئین باید بر طرف کرد ، و اگر میسر نشود ، از جوان مفرور آلوده خماری انتظار هر خلاف و هر جنابیتی را داشت . گدائی و دزدی که سهل است ، برای رسیدن به یکی دو گرم هر وئین ، معتاد خماری محتاج ، حاضر است دست به خون عزیزترین کسان خویشی آلوده سازد .

پیش از پرداختن به علل اعتیاد و شیوه های جلوگیری از آن ، باید به توضیح يك نکته دیگر پردازم و آن این که در میان انواع اعتیاد های موجود ، کدامین نوع قابل کنترل و جلوگیری هست ، و چه نوع اعتیاد هایی را نمی توان کشف کرد و زیر نظر گرفت و لااقل از توسعه آنها جلوگیری کرد .

از اعتیاد کم ضرر اما پرتوسمه چای و سیگار صرف نظر می کنیم ، که در نظر دولت و مجریان طرح ضربتی مبارزه با اعتیاد مطلقاً قابل توجه نیستند .

در مورد چهار نوع اعتیاد دیگر که مورد بحث ماست یعنی حشیش و مشتقاتش ، تریاک و شیره ، مواد الکلی ، و هر وئین ؛ آن اعتیادی که قابل پوشیده کاری و پنهان کردن نیست ظاهراً تریاک و شیره است . استعمال این مواد محتاج دم و دستگاه است ، منقل می خواهد ، آتش گل انداخته و جای امن و ابزار کشیدن می خواهد ، چراغ و بالش و ساقی مورد نیاز است ، و از همه اینها بالاتر دودش و بویش - و به قول تریاک کی ها عطرش - در فضا پخش و پراکنده می شود ، و به چندین خانه دور و بر که هیچ ، به ملکوت اعلی هم می رسد و به قول آن شاعر ظریف .
دود تریاک بر افلاک چو پرواز کند
ملك از عرش به خمیازه دهان باز کند

پی بردن به وجود تریاک کی ها و کشف اماکن استعمال تریاک و شیره ظاهراً درد سری ندارد و هیچ ابزار و وسیله ای نمی خواهد ، نه به قمر مصنوعی نیاز مند است ، نه دستگاههای عریض و طویل آزمایش می خواهد . هر شامه معمولی متعارفی به راحتی می تواند تشخیص دهد که در کدام خانه تریاک می کشند و کجا شیره کشخانه برپا کرده اند .

بنابراین اگر روزی امر بر آن دایر شود که تریاک کی ها و شیره ای های مملکت رازیر نظر بگیرند و کشف کنند و بر بساطشان پشت پا زنند ، مشکلی در کار نیست (۱) .

پوشیده کاری در مورد تریاک و شیره مصداق مجسم همان ماجرای جناب شتر است که بر سر مناره تشریف فرما شد و فرمود که « پنهان شدستم اینجا مکنیدم آشکارا » و شباهت

۱ - بحث در این که آیا چونین تصمیم و اقدامی اصلاً ضرورت دارد و به توفیق منتهی خواهد شد ، در قسمت بعدی این یادداشتها خواهد آمد .

کاملی دارد به داستان « طبل زیر کلیم » .

کشف موارد استعمال الکل به آسانی نوع نخستین نیست، اما چندان هم مشکل به نظر نمی‌رسد . بوی تند و زنده مشروبات قوی الکلی . خود در مسائل جاسوسی ، عامل بسیار مفیدی است برای کسانی که در پی بستن در میخانه و البته گشودن درهای متداول روزگار ما باشند .

در مورد حشیش و مشتقات آن، کارکشف به مراتب مشکل‌تر است ، همه ابزار ولوازم کار در يك دانه سیگار بی‌قابلیت خلاصه می‌شود و برای دودکردن یکی دو سیگار همیشه و در همه جا گوشه خلوت مناسبی می‌توان یافت .

اما درباره صدر نشین انواع اعتیاد انگیزها یعنی هروئین ، وضع به کلی تغییر می‌کند چند ساتی گرم گرد سفید را در همه جای بدن می‌توان پنهان کرد ، حتی زیر ناخن ها ؛ و آن را در هر ساعت و هر جا می‌توان مصرف نمود ، حتی در مجامع عمومی و به قول قلبه گویان زمان ما علی رؤس الاشهاد ، با نزدیک کردن سر ناخن به بهانه خاراندن صورت به حوالی بینی .

با کمال تأسف تشخیص معتادان به هروئین از افراد سالم اجتماع فقط وقتی میسر است که اعتیاد در اعماق وجودشان ریشه دوانده باشد، عیناً شبیه به سرطان پیش رفته ای که سراسر بدن را فرا گرفته است و دیگر هیچ اهیدی به بهبود مریض نیست .

اکنون وقت آن است که مطالب گفته شده را در چند سطر خلاصه کنیم و سپس پردازیم به طرح مسأله مبارزه با اعتیاد :
 ناتمام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

یغما

مؤسس و مدیر : حبیب یغمائی

سردبیر : بانو دکتر فصرت تجربه کار

(زیر نظر هیئت نویسندگان)

دفتر اداره ، خاتقاه - شماره ۱۵

تلفون ۳۰۵۳۴۴

بهای اشتراك سالانه : ایران پنجاه تومان - خارجه دو برابر